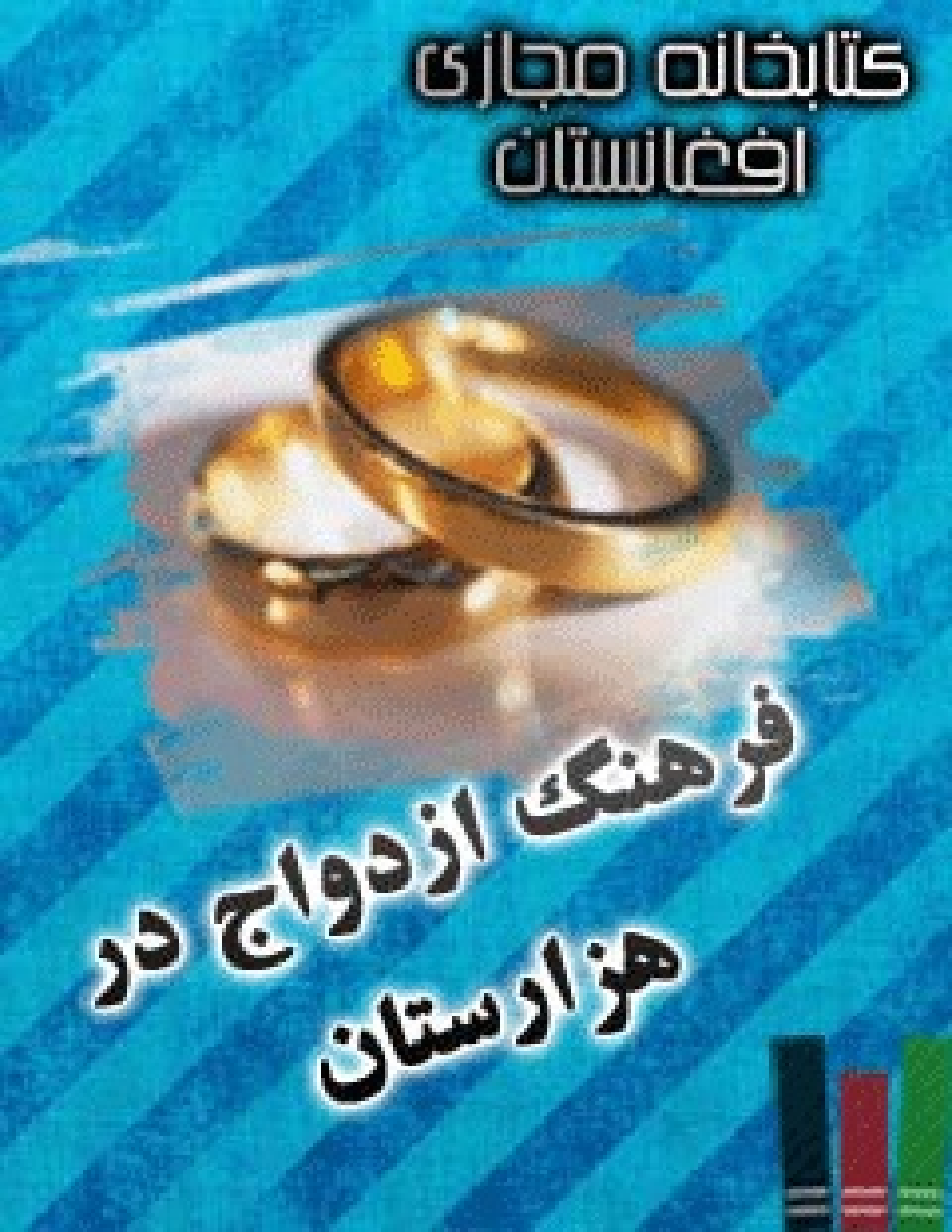
کتابخانه مجازی
افغانستان



فرهنگ ازدواج در هزارستان



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

فرهنگ ازدواج در هزارستان

مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازي افغانستان ،1392
عنوان و نام پديدآور:فرهنگ ازدواج در هزارستان/ دکتر حفيظ الله شريعتي.
مشخصات نشر ديجيتالي:اصفهان:مرکز تحقيقات رايانه اي قائميه اصفهان، ۱۳92.
مشخصات ظاهري:نرم افزار تلفن همراه و رايانه
موضوع: خانواده

آداب ازدواج و خواستگاري

اوال آمد بيو بيري اورده / كمر باريك از جاغوري اورده
كمر باريك كمر شي تال وري يه / چيماي شي گرگ قد مال وري يه
مراسم ازدواج در هزارستان آداب و رسوم متنوع و خاصي دارد. به‌طوري كه هنوز گذر از آن سخت مي نمايد. مراسم ازدواج بايد بر طبق اصول ويژه اي برگزار شود. اين مراسم در هزارستان داراي مراحل گوناگون است كه به برخي از آن ها اشاره مي شود. خواستگاري، نامزدي و شيريني‌خوري، ميهماني، خانه بلتي، تهيه جهيزيه و انجام خريد عروسي، جهازبران، پهن كردن سفره عقد و پخش شيريني، خواندن خطبه عقد، خينه كدو- حنابندان، جشن عروسي، پايوازي- پاگشا از جمله ي اين مراحل گوناگون اند. البته نبايد رسم هاي نسل جديدتر را مثل تهيه كيك عروسي، فيلمبرداري، تزيين ماشين عروس و رفتن به ماه عسل را از ياد برد كه در گذشته رواج نداشته است.
شكل گيري پيوند زناشويي در هزارستان داراي مراحل و آداب خاصّي به قرار زير است كه امروزه تنها برخي از آن ها بر جاي مانده است.

مراسم خواستگاري

مراسم خواستگاري نخست از همسرگزيني آغاز مي شود. براي همسرگزيدن، در گذشته پدر و مادر براي پسر خود دختري را انتخاب مي كردند، سپس با بزرگان به شور مي نشستند. وقتي نظر فاميل هاي دور و نزديك را جلب مي كردند، دختر را به پسر معرفي مي كردند. اغلب بدون مخالفت پسر، وارد مرحله ي خواستگاري مي شدند، پسرها كمتر مي توانستند اعتراضي به اين گزينه ها داشته باشند. دختران كمتر سهمي در انتخاب همسر داشتند. پسران البته بستگي به خانواده آن ها داشت. خانواده هاي عصري و نو به خواست پسران شان احترام مي گذاشتند اما خانواده هاي سنتي خود تصميم گير واقعي بودند. عشق بيشتر دروني بود و سرچشمه يي و در ازدواج نقشي زيادي نداشت. ازدواج عاشقانه كمتر اتفاق مي افتاد و بيشتر ازدواج ها رسمي و از طرف خانواده ها به فرجام مي رسيد. عشق ها سوزان بودند و بيشتر در آغاز خفه مي شدند. كسي جريت نمي كرد عريان بيان عشق كند. اظهار عشق تبديل به داستان هاي عاشقانه، دوبيتي و ترانه مي شد. ازدواج ها بسيار رسمي و خانوادگي بود. انتخاب همسر و(دختر زير چشم) كردن به عهده ي زنان بود. وقتي در محفل هاي عروسي و خانوادگي دختري زير چشم مي شد، به زودي مراسم خواستگاري صورت مي گرفت. انتخاب به سختي امروز نبود. خانواده ها انساب شناس بودند و تبارهاي قومي را به خوبي مي شناختند. معيار اصلي در همسر گزيني تبار نيك خانوادگي بود. اگر چند به صورت و سيرت نيز اهميت زيادي قايل بودند. وقتي دختري برگزيده مي شد، نخست مادر و يا يكي از زنان فاميل به ديدار خانواده ي دختر مي رفتند. وقتي موافقت خانواده ي دختر را مي گرفتند، خانواده ي پسر براي خواستگاري دختر مي رفت. معمولاً خواستگاري توسط ريش سفيد و يا بزرگ خانواده پدر يا مادر داماد انجام مي شد. در پايان خواستگاري، پدر دختر جهت فكر كردن و مشورت مهلت مي طلبيد. در اين زمان خانواده دختر فرصت فكر كردن مي يافتند و به شور مي نشستند. و بعد جواب نهايي را مي دادند.البته در گذشته ازدواج بيشتر اجباري و درون خانوادگي بود، ولي امروزه جوانان خود همسر آينده ي خود را انتخاب مي كنند و بعد خواستگاري انجام مي شود.

اگر داماد مورد قبول واقع نشود، خانواده ي دختر به بهانه اين كه دختر را براي فاميل يا پسرعمو انتخاب كرده اند، جواب منفي مي دهند. اما امروزه انتخاب پسر و دختر از اركان مهم همسرگزيني است كه آنان بايد خود شريك زندگي شان را انتخاب كنند. وقتي پسري شريك زندگي اش را

انتخاب كرد، براي مراسم خواستگاري؛ مادر با مشورت پدر به خواستگاري دختر مي رود و چنانچه رضايت خانواده ي دختر را جلب كنند، پدر و مادر پسر با نزديكان و اقوام به خواستگاري جدي مي روند و به همراه خويش چادر، پيرهن، روسري، مقداري قند و انگشتر مي برند.
در برخي مناطق مادر و چند تن از خانم هاي خانواده ي داماد به ديدن دختر مي روند. اگر پسنديدند در جلسه بعد داماد را با خود مي برند. چنانچه داماد هم دختر را پسنديد، مادر او هديه اي را كه به آن نشانه مي گويند، به خانواده ي دختر مي دهد. اگر داماد پزيرفته نشد در چنين حالتي باور مردمي ناف بريدن پسر و دختر براي يكديگر در كودكي و لاته(چادر) انداختن روي گهواره دختر، الزام ازدواج پسرعمو و دخترعمو كه عقد آنان را گويا در آسمان ها بسته اند را خانوده ي دختر پيش مي كشند.
در برخي مناطق رسم بر اين است كه زنان فاميل دختري را براي پسر انتخاب مي‌كنند و چندين بار به خانه دختر رفت و آمد مي‌كنند تا حركات و رفتار او را در برخورد با مهمان و خانواده اش مورد ارزيابي قرار دهند. پس از آن نوبت به آمد و شد ريش سفيدان مي رسد و در فرجام به خواستگاري رسمي تبديل مي شود. ازدواج هاي فاميلي به ويژه در روستاها كه خانواده ها در ارتباط نزديك تر و بيشتري هستند رايج است و ازدواج فرزندان عمه ها، عموها، ماماها- دايي ها و خاله ها مرسوم تر است.

ناف بريدن دختر براي پسر

اين مراسم در دوران نوزادي صورت مي گرفت. به اين صورت كه در جريان همسرگزيني با به دنيا آمدن نوزاد دختر، ناف او را به نام پسر مورد نظر مي بريدند و در عرف محلي مي گفتند: ناف اين دختر براي فلان پسر بريده شد. بر اين اساس در آينده بايستي با هم ازدواج مي كردند. مردم محل نيز با دانستن اين موضوع، هنگامي كه دختر به سن ازدواج مي رسيد، به خواستگاري او نمي رفتند و در فرجام پسر و دختر نشاني شده با هم ازدواج مي كردند.

دستمال فرستادن

اين مراسم بيشتر توسط مادران انجام مي گرفت. در اين رسم خانواده پسر دستمالي را نزد خانواده اي كه نوزاد دختر به دنيا آورده اند؛ مي بردند تا او را براي پسرشان نشان كنند. اگر اين مراسم با خوشي پايان مي يافت و مقبول دو طرف واقع مي شد، در جواني پسر و دختر نشان شده با هم ازدواج مي كردند.

چادر انداختن روي گهواره دختر

وقتي در خانه اي يكي دختر مي شد. يكي از دوستان و رفيقان پدر دختر كه پسر داشت، ضمن تبريك گفتن نوزاد، چادري را روي گهواره ي او مي انداخت و به اين صورت او را نشان مي كرد. وقتي اين پيوند دوستانه مقبول مي افتاد آنان در جواني با هم ازدواج مي كردند. البته هميشه فرجام اين گونه مراسم ها ازدواج نبود. بسيار ديده شده است كه وقتي دختر و پسر بزرگ شدند، همديگر را نپسنديدند. در نتيجه ازدواج هم اتفاق نيفتاد.

دختر عذر

رسم دختر عذر دادن سال ها است که در بین هزاره ها بر افتاده است. در گذشته وقتي ميان دو طايفه قتل صورت مي گرفت، براي پايان دادن به قتل ديگر و كشتار بيشتر دختري را از خانواده ي قاتل به خانواده ي مقتول به زني مي دادند. اين پيوند ازدواج به نزاع دو طايفه پايان مي داد و از كشتار و قتل ديگري جلوگيري مي كرد. اما از آن جايي كه در بيشتر موارد از طرف خانواده ي مقتول با دختر عذر بد رفتاري مي شد، مردم به اين رسم پايان دادند. ديگر سال هاست به خاطر احترام به زنان، اختياري شدن ازدواج و تغيرات ساختاري در جامعه ي هزاره اين رسم بر افتاده است و ممنوع اعلان شده است.

گله يا شيربها

گله يا شيربها مرحله پس از خواستگاري است. چند نفر از افراد ريش سفيد خانواده ي داماد پيش پدر دختر مي روند و بدين ترتيب شرايط نهايي طرفين مطرح مي شود. در اين نشست مقدار شيربها، لباس، چادر(لاته پيرو)، پيرهن تعيين مي گرديد. در اين مراسم داماد حضور ندارد و موضوع بحث اين مراسم بيشتر مهريه شيربها و جهيزيه است. خرج عروسي، زيورآلات و جهيزيه نيز معين مي شود.
در اكثر روستاهاي هزارستان هنوز مبلغي به عنوان حق شير يا شيربها به مادر عروس مي پردازند. شيربها به صورت نقد پرداخت مي شود. خانواده دختر مقداري پول به آن اضافه مي كنند و كمبود جهيزيه دخترشان را تامين مي كنند. يعني با پولِ نقدي كه به عنوان شيربها اخذ مي شود براي دختر جهيزيه تهيه مي شود. البته اين مبلغ معمولا صرف هزينه هاي جهيزيه عروس مي شود حتي گفته شده است وقتي در گذشته خانواده عروس بيشتر شيربها مي گرفتند، خانواده داماد متقابلا بيشتر انتظار جهيزيه داشتند.

لاته پيرو(چادر و پيرهن)

رسم است كه خانواده عروس به نزديكانش پيرهن و چادر به رسم احترام هديه مي دهد. اين رسم به اين سبب است كه خانواده درجه يك عروس در دادن جهيزيه به آنان كمك كند. اين چادر و پيرهن در روز خواستگاري از طرف پدر عروس به پدر داماد پيشنهاد مي شود كه پس از تعديلات در آن، پزيرفته مي شود. پدر داماد اين هديه ها را زودتر مي فرستد تا خانواده عروس در فكر جهيزيه باشند.

خريد شيريني خوري

پس از توافق هايي در جلسه خواستگاري، تاريخي نيز براي شيريني خوري و عقد تعيين مي شود. پدر و مادر دختر و پسر(معمولا مادر عروس و چند زن از خانواده دو طرف) به بازار رفته، خريد انگشتري، حلقه، لباس كاملي براي عروس و... لباس محلي(پيراهن، تنبان، چادر، كت، وسكت- جليقه، كفش، ساعت، انگشتر،لوازم آرايش و...) اكنون كت و شلوار براي پسر را با انتخاب پسر و دختر مي خرند و براي روز شيريني خوري آماده مي كنند.

شيريني خوري(عقدكنان)

تا مراسم عروسي، مراسم ديگري هم صورت مي گيرد كه جشن شيريني خوري نام دارد؛ در اين مراسم خانواده ي داماد براي عروس خانم و خانواده او چند دست لباس، چادر و توب(دسته ي) پارچه به عنوان خلعت مي آورند. روز شيريني خوري و عقد كنان، خانواده ي پسر، خوراكي هاي مانند تكي روغني، پتير، بوسراغ و مقداري لباس براي خانواده ي عروس را بر مي دارند و با عده اي از فاميل دست اول به خانه عروس مي روند. مردان و زنان خانواده ي داماد به صرف شام يا ناهار دعوت مي شوند. دعوت شدگان نخست با شيريني يا بوسراغ و چاي پذيرايي مي شوند و در پايان به صرف آب گوشت يا پلوي دعوت مي شوند. وقتي داماد لباس دامادي اش را پوشيد و هديه هايش را گرفت به خانه ي زنان مي رود كه در كنار عروس بنشيند و زنان هم داماد را ببينند. در وقت نشستن روي كرسي عروسي بايد يكي از دو نفر ديرتر از ديگري بنشيند، اين دير نشستن نوعي شرط بندي و مسابقه گونه است. در اين نشست و دير نشستن اگر عروس توانست با فشار دادن پاي داماد، او را به نشستن وا داشت، نشانه آن است كه عروس بر سر داماد مسلط خواهد شد. البته داماد در اين موارد بيشتر كوتاه مي آيد. اما در برخي موارد كار حيثيتي مي شود و لحظه هاي چندي به طول مي كشد تا يكي بنشيند، گاهي اين مسايقه به نزاع دو خانواده تبديل مي شود كه با پا در مياني بزرگان به نيكويي پايان مي يابد. در شب آن روز، ملا يا آخوند عقد دختر و پسر را مي خواند. در شب عقد يا هنگام پوشيدن لباس داماد و عروس، دوستان و بستگان عروس و داماد به ديدن عروس و داماد مي روند و هديه مورد نظر خود را تقديم مي كنند. در برخي مناطق هنگام دريافت هديه، جمع آوري كننده ي هدايا، نام هديه دهنده را بلند مي گويد و ديگري مبلغ و نام صاحب هديه را ثبت در ليست خانوادگي منظور مي نمايد. سپس عمه ها، خاله ها و زن عمو ها؛ خانواده داماد، هر كدام انگشتر، النگو و يا زيور الاتي را به عنوان هديه به عروس خانم مي دهند.

مراسم عقدكنان را معمولا در خانه ي عروس انجام مي‌دهند و براي انجام اين امر اتاقي را در نظر مي‌گيرند تا مراسم عقدكنان در آن اجرا شود. قبل از شروع مراسم چند نفر از زنان خوش سليقه و خوشبخت فاميل، براي تزيين سفره عقد در اتاق مورد نظر حاضر مي‌شوند و با ظرافت خاصي اسباب سفره را در سرجاي خود مي‌چيدند.
اسباب سفره عقد عموما عبارت اند از: قرآن، آيينه، نقل و شيريني، بوسراغ چند تكه پارچه ي سپيد، چند دانه دستمال خامك دوزي، گلابدان، خنچه، اسپند، كاسه‌اي آب كه رويش يك برگ سبز باشد و.... به هنگام عقد عروس را مقابل آيينه و رو به قبله مي‌نشانند و به هنگامي كه عاقد در حال خواندن خطبه عقد است، لازم مي‌دانند كه عروس خانم حتما در آينه نگاه كند تا بدين ترتيب بختش همچون آيينه صاف و روشن گردد. در موقع خواندن خطبه دو زن سپيدبخت دوطرف عروس مي استند و دعا مي خوانند. در اين هنگام فرد ديگري با يك سوزن و نخ هفت رنگ جلو مي آيد و تعدادي كوك بر پارچه ي لباس عروس مي‌زند.
در برخي مناطق عروس و داماد به همراه چند نفر از خانواده هاي شان به دفتر عاقد مي روند و يا عاقد به منزل آن ها مي آيد و خطبه عقد را جاري مي كند. رفت و آمدهاي عروس و داماد پس از عقد، شروع مي شود. هر چند كه در گذشته گاه تا شب عروسي، عروس و داماد همديگر را نمي ديدند ولي اين رسم، زياد پا برجا نبوده است.
اگر سند ازدواج داشته باشند معمولن سند ازدواج(نكاحنامه)را اخند مكتب با توافق رسمي عروس و داماد و پدر و مادر آن ها مي نويسد. در سند ازدواج حقوق زن در صورت طلاق يا وفات شوهرتعيين مي گردد. سند را ملا و شاهدان و حاضران از هر دو جانب امضا مي كنند.

مهريه

در گذشته مهريه يك جلد كلام خدا و شاخه گل تعيين مي شد. در برخي جاها مهريه يك گاو و چند گوسپند بود. در برخي مناطق داماد عروس را در خيرخانه شريك مي كرد و اين مهريه ي او شمرده مي شد. برخي هم نيم خانه را به نام مهريه به خانمش پيش كش مي كرد. برخي هم مقدار پول و سكه ي طلا را مهريه مي ناميد.

نامزدي و عيدي بردن

در مدت نامزدي، داماد يا خانواده ي پسر در روزهاي عيد مقداري گوشت، برنج، بوسراغ، شيريني، لباس كامل(سراپا) براي عروس و پارچه براي خانواده دختر مي برد. خانواده ي دختر آن ها را دعوت به صرف شام و يا نهار مي كند. در پايان مراسم به داماد و خانواده وي از طرف پدر عروس مانند عروس لباس و هديه داده مي شود. در اين مدت دختر و پسر همديگر را ملاقات مي كنند. داماد در خلوت و به طور ويژهحلقه، انگشتري، گردن بند و ساعت و... در حالي كه در پارچه سبز پيچانده شده اند به عنوان نشان نامزدي به عروس مي دهد.

لباس بردن

بردن لباس عروس از طرف خانواده ي داماد بيشتر در شب انجام مي شود. رنگ لباس عروس سفيد و محل حجله گاه، خانه ي داماد است. در بيشتر موارد مراسم عقد و برپايي حجله در خانه ي عروس بر پا مي شود.

دوختن لباس عروس

مراسم بريدن پارچه ي لباس عروس و داماد درون فاميلي انجام مي شود. خانواده ي داماد پس از اين كه لباس هاي عروس را تهيه كرد، يك روز نيك مانند تولد ائمه اطهار (عليهم السلام) يا شب جمعه را براي بريدن رخت دامادي و عروسي تعيين مي كنند. لباس ها را با هلهله و شادي به خانه عروس مي برند. بردن لباس ها بيشتر يك ماه پيش از عروسي انجام مي شود تا عروس و خانواده اش فرصت كافي براي دوختن آن ها را داشته باشند. خانواده ي عروس وقتي بقچه ي لباس را باز كردند، يكي از نزديكان داماد لباس ها(رخت)ها را يكي يكي به مهمانان نشان مي دهد. مهمانان كف مي زنند و آفرين و شاباش مي گويند.

بريدن رخت عروسي و دامادي

بريدن و قيچي زدن لباس عروس را بايد يك زن خوشبخت و دولتمند (زن خوش بخت) انجام دهد.
لباس ها را در پتنوس(سيني) چيده و روي آن را پارچه ي سبزي مي كشند. زنان پس از ديدن لباس عروس و داماد تبريك مي گويند و آن را به خياط مي سپارند تا براي روز شيريني خوري و عروسي آماده كند. در برخي مناطق خياط خود زنان اند كه جمعي يا تكي لباس عروس و داماد را مي دوزند. اين روزها لباس عروس و داماد را خياط هاي شهري آماده مي كنند. در برخي مناطق لباس روز عروسي را اجاره مي كنند.

زيور آلات عروس

زيور روي لباس عروس گلوبند زرين يا اشرفي همراه با دانه هاي رنگارنگ دكمه و النگو و دستبند نقره يا طلا است. عروس از طلا كمتر استفاده مي كند. وسايل زينتي عروس بيشتر از زر(نقره) است.

پيكي

پيكي دايره ي ماه گون است كه عروس آن را روي پيشانه به صورت عمودي مي بندند. به اين دايره كه در اطراف آن منگوله هاي از زر به صورت هاي مختلف مانند نقش درخت، بوته ي گياه و شاخه هاي گل است، تاويذك(تعويذ كوچك) هم مي گويند. تعويذك مانند تعويذ داراي چهارگوش و لوزي مانند است. در هر گوش آن چند تعويذ كوچك ديگر آويزان مي شود كه هنگام بالا و پايين كردن سر صداي موسيقي دلنشيني مي دهد.

جودانه و طوق

طوق همان گردن بند است که عروس هنگام عروسي آن را به گردن مي آويزاند. جودانه آويزه هاي طوق است که به صورت عمودي برآن گره زده مي شود. جودانه يك نيم دايره ي کلان است. در کناره هاي اين دايره چند منگوله و طوق کوچك جا گذاشته مي شوند. هر طوق داراي چند دايره و چند طوق کوچك تراست. اين طوق هاي سلسله وار در چند منزل ساخته مي شوند که به آن جودانه ي چند منزله مي گويند. آخرين منزل و طبقه ي اين طوق ها باريك تر است که در راس آن دايره يي کوچك وجود دارد. داخل اين دايره پراست. روي اين دايره نگين بزرگي به رنگ سرخ(قرمز) جا گذاشته مي شود که هنگام تکان خورن نور مي دهد.

بالي و سلسله

بالي همواره با سلسله ي كوچك همراه است. چند منگوله و طوق كه به شكل پيكي ساخته مي شود. عروس بالي را در نباگوش به صورت عمودي آويزان مي كنند. طرف پايين بالي همسان با گوشواره است و بالاي آن به كلاه و يا سرغوچ عروس بند مي شود. سلسله به صورت افقي روي پيشانه ي عروس كشيده مي شود و بالاي دو گوش عروس بند مي گردد. سلسله داراي آويزه هاي زيادي است كه در وسط آن پيكي قرار مي گيرد.

تيقي چيغي(حمايل)

تيقي چيغي- حمايل عروس مانند حمايل تفنگ ساخته مي شود با اين تفاوت كه در آن به جاي تير و گلوله سكه هاي زرين يا اشرفي همراه با دانه هاي رنگارنگ دكمه جا گذاشته مي شود. حمايل مانند كلاه با سوزن به زيبايي تمام دوخته مي شود. برخي مناطق هزاره نشين حمايل را با نخ هاي رنگارنگ روي پارچه مي دوزند.

انگشتر، گوشواره و خال بيني

انگشتر عروس بيشتر از نقره است اگر چند اين روزها طلا جاي نقره را گرفته است. زرگران هزاره براي ساختن انگشتر عروس نخست نقره را آب مي كنند و سپس در قالب هاي از پيش ساخته شده مي ريزند و از آن انگشتر به اندازه هاي مختلف مي سازند. نگين انگشتر عروس از سنگ هاي قيمتي داخلي و خارجي درست مي شود. مشهور ترين نگين هاي انگشتر عروس عبارت اند از عقيق، فيروزه، لعل بدخشان، لاجورد، زمرد و مانند آن كه به شكل بسيار نيكويي تراشيده و جا گذاشته مي شوند.
گوشواره نيز مانند انگشتر از نقره درست مي شود، اگر چند امروزه جاي آن را طلا گرفته است. گوشواره ها به شكل هاي مختلف ساخته مي شوند كه نوع معمول آن لوزي، سه گوش و چهار است.
خال بيني عروس از نقره است. شكل معمول خال بيني ها شكل نقطه ي ريز و دكمه بسيار كوچك اند كه از دور خيلي به چشم نمي آيند.

مهماني- خانه بلتي

وقتي خانواده ي داماد و عروس تصميم گرفتند عروسي بگيرند، دو طرف مهماني ترتيب مي دهند كه به اصطلاح محلي به آن خانه بلتي مي گويند. در مهماني خانه بلتي نخست پدر عروس، پدر داماد را مهماني مي كند و در پايان نزديك به زمان عروسي پدر داماد، پدر عروس را دعوت به مهماني خانه بلتي مي كند. در اين مراسم زمان و مكان و خرج عروسي تعيين مي گردد. پدر عروس با گرفتن هديه با جمعي از نزديكانش به مهماني به خانه ي پدر داماد مي رود. در پايان مهماني پدر داماد به پدر عروس شال، چپن و يا كمبل(پتو) مي دهد. به ديگر مهمانان هم به رسم هر منطقه لنگي، چادر و پيرهن دوخته نشده مي دهد.

خرج بردن

يكي از كارهاي عروسي در هزارستان فراهم آوردن «خرج » براي تهيۀغذاي عروسي است. چند روز مانده به عروسي عده‌اي از جوانان با كمك خانواده داماد خرج عروسي را به خانه پدر عروس مي برند. معمولاً همۀ جوانان داوطلب چنين كاري هستند، زيرا مي‌دانند كه براي عروسي خودشان متقابلاً جوانان ديگر اين زحمت را متحمل مي‌شوند. هيزم، روغن، گوشت، برنج، آرد، شكر، چاي، ادويه، نمك،سيب زميني-كچالو، پياز و... براي مراسم عروسي به خانه پدر عروس برده مي شود.
مرسوم است چنانچه كسي از اقوام عروس يا داماد فوت شده باشد و از چهلم آنان نيزگذشته باشد، خانواده عروس يا داماد نزد آن ها مي رود، براي برگزاري مراسم از آن ها اجازه مي گيرد.

بوسراغ پخته کيدو(شيريني پزيدن)

براي آماده کردن بقچه ي مادر داماد و سوغاتي، پتير و بوسراغ قودغو(مادر داماد) چند روز پيش از عروسي و رفتن مادر داماد به خانه پدر عروس، از زنان فاميل دعوت مي شود که در مراسم بوسراغ پزي گرد بيايند. آرد بوسراغ که از آرد گندم به اضافه روغن و شکر است از شب پيش آماده مي شود. وقتي زنان فاميل آمدند، همه با شور و شوق بسيار آتش مي افروزند و بوسراغ ها را آماده مي کنند. نان روغني و پتير نيز در اين روز پخته مي شوند. دختران دي دو و دوبيتي مي خوانند و زنان کهن سال و ميان سال قصه مي گويند. برخي از دختران و پسران جوان دمبوره مي نوازند و آواز مي خوانند.

قودغو بردو(بردن مادر داماد)

چند روز پيش از عروسي خانواده و نزديكان داماد به صورت جمعي مادر داماد را براي تدارك و هماهنگي عروسي به خانه پدر عروس مي برند. مادر داماد دختر كوچكش را نيز با خود مي برد كه به وي قودغوچه گفته مي شود. مهمانان مقدماتي عروسي از طرف خانواده ي عروس به گرمي استقبال مي شوند. در پايان به جز مادر داماد و در برخي مناطق خود داماد ديگران به خانه بر مي گردند.

مهماني عروس

وقتي زمان عروسي نزديك شد، خانواده درجه يك عروس، عروس خانم را دعوت به مهماني خانوادگي مي كنند. در اين دعوتي عروس ضمن آخرين ديدو بازديد و خدا حافظي با خانواده پدري از طرف خانواده درجه يك، هديه ي عروسي دريافت مي كنند. اين هديه عوض پيرهن و چادر است كه پدر عروس به فاميل نزديكش داده است. اين هديه ها جهيزيه عروس را كامل مي كند.

طوي- دعوت براي جشن عروسي

دعوت از مردم براي شركت در جشن عروسي توسط خانواده ي عروس و داماد صورت مي گيرد. هنگام دعوت، كلان فاميل از يكي كه درس خوانده باشد؛ مي خواهد كه دوستان و خويشان را براي دعوت به جشن عروسي با نامه و يا كارت عروسي فرا بخواند. وقتي نامه و يا كارت دعوتي به دست فراخوانده رسيد، وي با ذكر دعاي خير و خوشبختي اعلام آمادگي براي حضور در جشن عروسي را مي نمايد. در عروسي مهمانان نخست با چايي پذيرايي مي‌شوند، بعد با آب گوشت و يا پلو پذيرايي مي گردند. وقتي غذا صرف شد، لباس داماد را مي آورند. در اين شب چند تن از آقايان از خانواده ي عروس سيني هاي بزرگ تزيين شده اي (توسط خانواده عروس براي داماد و خانواده اش) را برسر مي گيرند و با رقص و پاي كوبي وارد مجلس داماد مي شوند؛ و آن قدر آن ها را در سر مي چرخانند تا هديه اي را از پدر، برادر، فاميل نزديك و مادر داماد نگرفته و سيني ها را بر زمين نمي گذارند. در داخل يكي از سيني ها لباس داماد و اكنون، كت وشلوار داماد است كه پوشاندن آن به تن داماد به عهده يكي از نزديكان داماد است كه با اشعار سنتي اين كار انجام مي شود. وقتي لباس داماد در وسط مجلس گذاشته شد، يكي از رفيقان و نزديكان داماد پس از نشان دادن لباس به مردم و كف زدن مردم(قوده) لباس را به تن داماد مي كند. در پايان دست قوده را حنا مي كنند و روي دست آن ها دستمال سوزن دوزي شده مي گذارند. وقتي حنابندان قوده تمام شد، حلوا سرخ مي آورند، در پايان روي سيني حلوا و حنا، قوده به مقدار توان پول مي اندازند. اين پول به خدمت كاراني تعلق مي گيرد كه مراسم عروسي را بر پا مي كنند. گاهي هم بين فاميل نزديك عروس قسمت مي شود. در برخي مناطق كسي كه مسئول جمع آوري هدايا است با كاسه‌اي نقل و شكلات وارد مي‌شود. مهمان‌ها هر كدام مقداري از محتويات كاسه را بر مي‌دارند و بعد هر كدام هداياي نقدي خود را كه به گويش محلي (توي پولي) گفته مي شود در ظرف مي اندازند. نوازندگان محلّي پس از خوردن شام در خانۀ عروس و پس از عروسي در خانه ي داماد، با دمبوره و دي دو خواني، محفل پايكوبي و شادي را گرم مي كنند و اين كار تا نيمه هاي شب ادامه مي يابد.

دي دو خواني و دمبوره نوازي

در هنگام عروسي غزل خوانان و دمبوره نوازان دور از چشم شريعت پناهان محلي دوبيتي مي خوانند و دَمبورَه مي نوازند. هزاره ها در روزهاي شادي و خوشي مانند: عروسي، دمبوره ها را از پشت كندوها كه پنهان كرده اند بيرون مي آورند و آناني كه صداي خوش دارند با دوبيتي هاي عاشقانه مجلس را پر از شادي و خوشي مي سازند. آن هايي كه لحن خوش دارند آهنگ هاي هزارگي را به «رَفت» ها (كمپوز هاي) گوناگون كه نمايندگي از مناطق مختلف هزارستان مي كند، اجرا مي كنند. اين رفت ها شامل رَفت شيخ علي، تگوبرگ، مالستاني، باميياني، جاغورگي و... مي شوند. نيكوترين بخش شادي هاي عروسي دي دو خواني دو زن يا دختر يا پسر جوان و نوجوان هزارگي است كه رو به روي هم مي نشينند و به نوبت يكي در جواب ديگري دوبيتي ها را صداي خوش مي خوانند. (عباس دلجو)

جهاز بردن

در روز عروسي عده اي كه به آنان (قوده) مي گويند، جهاز را با عروس به خانه ي داماد مي برند. در گذشته براي جهاز بردن چند نفر از نزديكان داماد به همراه چند قاطر يا الاغ وسايل جهيزيه عروس را به خانه داماد مي بردند. افزون بر جهاز بران، عده‌اي غزل گوي (ترانه خوانان و دنبوره نوازان) نيز به خانه ي پدر داماد مي رفتند. وسايل جهيزيه طبق توافقي كه قبلا بين خانواده‌هاي عروس و داماد صورت گرفته بود تهيه مي‌شود. به عنوان مثال گاهي عبارت اند از: وسايل خانه، قالي، ظروف، ديگ ها، و ابزار آهني و برنجي و زيورالات، ديگچه، قابلمه، ملاقه، آبكش، مجمع‌هاي مسي، آفتابه لگن و اسباب ديگري هم چون رختخواب، متكا، پشتي، پرده، سماور، و افزون بر همه ي اين ها، آينه و قرآن جزو اصلي مهم‌ترين وسايل جهيزيه به شمار مي‌رود.

خينه كردن دست عروس(حنابندان)

در اين مراسم معمولا عروس خانم يك لباس قرمز به تن مي كند كه قدما معتقدند سرخي اين لباس نشانه محبت و عشق است. البته اكنون به رنك اهميت نمي دهند. حنابندان معمولاً شب قبل از عروسي انجام ميشود. دختران جوان محل، دست و پاي عروس را در منزل وي خينه مي كنند يا حنا ميبندند و با پارچه حرير سبز رنگ ميبندد. در اين ميان دو تن از دوستان صميمي عروس كه هنوز مجرد هستند در سمت چپ و راست عروس مي ايستند تا داماد وارد شود. وقتي داماد به نزد عروس مي آيد، دختران با شادي كف مي زنند و براي داماد عروس را تبريك مي گويند. در برخي مناطق يكي از خانم هاي خانواده ي داماد؛ معمولا خواهرش، نزد عروس مي آيد و دست راست عروس خانم را بالا مي برد و كمي حنا به دست راست او ميمالد. سپس اسكناسي روي آن مي گذارد اين كار را نشانه رزق و روزي مي دانند. سپس عروس يا دختران حناي تزيين شده را به تمام خانم ها تعارف مي كنند و خانم ها انگشتان خود را با آن رنگين مي كنند. در همان ساعت؛ پسران جوان خانواده دست داماد را حنا ميبندند. هنگام حنابندان موسيقي محلي و رقص ملي و قومي اجرا ميشود. در پايان در برخي مناطق حلوا با نان محلي به شركت كنندگان ميدهند.
امروزه مراسم حنابندان به اين صورت است كه يك برگ سبز درخت بيد و يا يك اسكناس افغاني را در دستهاي عروس و داماد مي گذارند و روي آن حنا ميبندند. هنگام حنابندان اين شعر خوانده ميشود: "بيري دستاي خوره خينه كده، طوق طلا بسته كده، عروس مو شاپري يه، بيري مو گل وري يه، داماد مو شا داماده، ام شو شوي براته: خدا مبارك كنه، علي شاي مردو مبارك كنه" در برخي مناطق مراسم حنابندان داماد هم همزمان با مراسم حنابندان عروس در خانه پدر داماد برگزار مي شود.
عروسي معمولا دو شبانه روز طول مي كشد. روز اول پدر داماد و اقوام و فاميل به خانه ي پدر عروس دعوت مي شود. در شب آن تختي خينه(حنابندان) بر گذار مي گردد. در اين مراسم داماد بر تختي كنار مجلس مي نشيند و در دو طرف دست راست او وزير دست راست و در طرف دست چب او وزير دست چب او مي نشيند. به وزير دست راست شابال، شاه بالا هم مي گويند. شابال و وزير دست چب از رفيقان نزديك داماد انتخاب مي شود. هر يك از دو وزير پول روي دستمال داماد مي اندازد. هركه بيشتر انداخت دستمال از آن او مي شود.

آرايش عروس

عروس «چتر زلف» دارند. براي آرايش عروس اين چتر زلف را درست مي كنند. پيچه هاي او را مي بندند و زلف جلوي صورت را پيچ مي دهند و با پنگ(سوزن مو) به هم پيوند مي دهند. موهاي پشت سر را بيشتر اتيكي(بافته) مي بافند. موهاي عروس نبايد افشان باشد، فقط مي تواند پيچ در پيچ و تاب داشته باشد. عروس بيشتر نيازمندي هاي روزانه عروسي خود را محدود و آسان در نظر مي گيرد و به وسيله خود مرتفع مي سازد.

براي بردن عروس نخست آخند محل بايد محل ستاره را نشان بدهد. روز خوب، روز نيكو، قرار نداشتن ستاره رو به روي دروازه از شرايط برون كردن عروس از خانه است. هنگام مراسم عروسي در خانه پدر عروس و آماده شدن عروس براي رفتن به خانه ي بخت، قوده چند ساعتي را به زدن دمبوره- ساز و رقص و شادماني سپري مي‌كنند. دختران و رفيقان عروس سر و صورت عروس را آرايش مي كنند. او را عروس مي سازند و شاهزاده اش مي سازند. لباس هاي داماد را از خانه ي عروس و لباس هاي عروس را از خانه ي داماد با ساز و دهل و دايره مي آورند و به آن دو مي پوشانند. هنگامي كه مي‌خواهند عروس را به خانه داماد ببرند، پدر يا برادر عروس موظف مي شود كه كمر عروس را ببندد. پدر يا برادر بزرگ مقدار پولي را داخل دستمالي مي گذارد، آن را تا مي كند و به كمر عروس را مي بندد. زنان پس از بسته شدن كمر عروس با گريه عروس را روانه خانه داماد مي‌كنند. پدر عروس پيشاني او را مي بوسد و او را از زير قرآن رد مي كند و راهي خانه بخت مي كند. عروس نخست ديگدان خانه ي پدري اش را زيارت مي كند، پس از آن ديگدان عمواش را. روي ديگدان هم پولي به عنوان هديه مي گذارد. آنگاه چند نفر از خانه داماد با اسب يا ماشين براي بردن عروس مي‌آيند. وقتي عروس مي خواهد از در خارج شود، يكي از خانواده ي عروس در را با دست مي بند و طلب هديه مي كند كه به وي درگه گير مي گويند. پدر داماد هم مقدار پولي به وي مي دهد و عروس را از در خارج مي كند. عروس را سوار بر اسب يا ماشين مي كنند. در جلوي آن ها دختران پو في زن (پيش پو) اهالي طرب و پشت سر آن ها خانواده ي نزديك داماد و عروس و سپس اسب يا ماشين عروس حركت مي‌كند. وقتي قافله عروس به خانه داماد رسيد، اهالي محل و دعوت شدگان محلي بايد به پيشواز عروس بروند و شيريني و پول و سكه به طرف وي پرتاب كنند.
وقتي كه عروس مي‌خواهد پايش را در آستانه در خانه داماد بگذارد. چارمغز- گردويي را زير پايش قرار مي‌دهند تا به اين ترتيب هرگونه طلسمي كه براي عروس شده باشد از بين برود. در هنگام ورود، عروس زير لب مي‌گويد يا الله و داماد و ديگران مي گويند الحمدالله و لاحوله ولا، به اين نيت كه عزيز شوهرش بشود. در اين موقع داماد بايد پابه پاي عروس وارد خانه شود و در مراسم چادر گلاندن و پيشوازي عروس شركت كند. در موقع ورود عروس و داماد به خانه و اتاق عروس، داماد يا يكي از زنان خوش بخت فاميل كفش‌هاي عروس را در مي آورد و پولي كه در

كفش عروس گذاشته شده است را بر دارد. وقتي عروس را به منزل داماد مي آوردند(در قديم كه عروس را با اسب مي آوردند) عروس تا هديه اي نمي گرفت از اسب پياده نمي شد و يا وارد خانه نمي شد. امروزه كه آوردن عروس با اتومبيل انجام مي شود، در اين شرايط نيز عروس تا هديه نگيرد از اتومبيل پياده نمي شود و يا وارد خانه نمي شود. در اين حال عروس دستش را در چارچوب در بند مي كند و مي گويد تا هديه اي و قولي دريافت نكند و نگيرد وارد خانه نمي شود. داماد در اين صورت هديه اي را قبول مي كند يا قول مي دهد كه او را به آرزويش برساند و خوش بخت كند. هدايا ممكن است پول، ماشين، مسافرت، قول دعوا نكردن و يا قطعه اي زمين باشد. در گذشته عروس از شوهر وپدر شوهر تحفه اي مثل اسپ سواري، گاو شيري، باغ ميوه دار و يا زميني حاصلخيز مي خواست.
پس از اين كه عروس به خانه داماد وارد شد، زن‌هاي فاميل مي‌آيند و شروع به شادماني مي‌كنند. آنان بر سر عروس و داماد نقل و پول مي‌ريزند. مي‌گويند كه هر گاه از اين نقل دختر دم بختي بخورد به زودي بختش باز مي‌شود.
وقتي عروس وارد خانه شد، آفتابه لگن مي آورد و داماد پاي عروس را مي شورد. آب پاي عروس را در چارگوش خانه مي ريزاند.

بيري بركيدو(فرستادن عروس به خانه ي بخت)

در گذشته هنگام عروس بردن، يكي از زنان فاميل داماد وسيله اي را از خانواده ي عروس كه به آن «عقل عروس» مي گفتند برمي داشت و در خانه ي داماد آن را به عروس مي داد. پدر داماد نيز شاخه اي سبزي را با خود از درختان خانه ي پدر عروس بر داشت و با خود به خانه مي برد. اين آيين در برخي مناطق هنوز رواج دارد.
عروس را بر اسبي سوار مي كردند و افسار اسب را ماما- دايي يا پسر عمو يا برادر عروس مي كشيد و تا خانه ي داماد او را همراهي مي كردند. در صورت كه عروس روي اسپ باشد، داماد مواظب اوست و شانه اش را با دست مي گيرد كه از اسپ نيفتد. چند زن نيز با عروس به خانه ي داماد مي رفتند كه به آنان قودغو مي گفتند. و يك الي دو شب آنجا مي ماندند. اكنون اين رسم به يك روز كاهش يافته است. فقط مادر عروس چند روز پيش عروس مي ماند. عده اي از پسران خانواده ي عروس نيز او را همراهي مي كردند كه آن ها را لنگي خور مي گفتند. لنگي خورها و قودخوها هديه اي مانند: لباس و چادر از طرف خانواده ي داماد دريافت مي كردند. اين آيين در برخي مناطق هنوز رواج دارد.
عروس را با ساز و دهل به خانه ي داماد مي برند. جلو خانه ي داماد عروس را گل باران و شريني باران و در برخي مناطق سكه و پول باران مي كنند. مادر يا پدر يا برادر داماد، گوسفند يا گاوي را جلوي پاي عروس ذبح مي كنند. خانواده داماد به افرادي كه به داماد هدايايي داده اند يا ماشين خود را آورده اند دستمال و مقداري شيريني مي دهد.

در مسير عروس

در مسير حركت عروس و داماد از خانۀ عروس تا خانۀ داماد كه در گذشته با اسپ بود و اكنون با ماشين است اتفاق هاي جالب مي افتاد كه بسيار زيبا اند. وقتي عروس به روستايي مي رسد، زنان و دختران ده در مسير او قرار مي گيرند و صورت عروس را مي بينند و بر زيبايي و حسن انتخاب داماد و خانواده او آفرين مي گويند. كودكان در راه كاروان آتش مي افروزند و از داماد هديه دريافت مي كنند. برخي از كودكان با ريسمان راه بر عروس و داماد مي بندند تا هديه نگيرند، راه را باز نمي كنند. مردان و جوانان تير هوايي شليك مي كنند و شادي مي كنند. زنان رقص محلي مي كنند. آنان چرخك، لنگي مي زنند، دختران نورس پوفي(پيش پو) مي زنند. دختران جوان آواز مي خوانند. يكي از ترانه هاي زيبايي دختران چنين شروع مي شود: پول خو دادوم، مال خو دادوم، هيچ بلاي مه غم نشد، دانه شخل مه كم نشد. نوازندگان دنبوره دنبوره مي نوازند و اشعاري را با صداي بلند مي خوانند. برخي مناطق نوار ايكي ميرزا، صفدر توكلي، بچه گل آغي، سيد لشمك و... مي گذارند. صداي شادي و خوشي مسير رفت عروس به خانه ي بخت را پر مي كند.
در شب پس از عروسي؛ در برخي مناطق سه روز پس از عروسي، عروس را با سرمه و لوازم آرايش مختلف آرايش مي كنند، به او لباس عروسي محلي مي پوشانند و براي رفتن به حجله آماده مي كنند. داماد نيمه شب بدون سر و صدا به اتاق عروس مي رود. در اين مراسم يكي از دختران او را همراهي مي كند. دختر دست عروس را به دست داماد مي دهد و پس از دريافت هديه حجله را ترك مي كند.

قرقه - نشانه زني يا گيرگ

قرقه زني با تفنگ از گذشته هاي دور بين هزاره ها هواخواهاني زيادي داشته است. اين بازي پرهيجان به مناسبت هاي گوناگوني مانند: عروسي و شادي هاي قومي و ملي بازي مي شود. در عروسي ها دو طرف و يا فقط طرف داماد يعني دامادخيل و عروس خيل در دوگروه نشانه زني مي كنند و در شادي داماد شريك مي شوند. در اين بازي دو گروه از بازيگران پس از دريافت طويانه ي بازي در جاي بلندي مي روند و شروع به نشانه زني با تفنگ مَلَخَي، بَرنَو، هفت تير، نيكلي، يازده تير سرپوش، لوچك پتره وال، مُچكي، كلاش و... مي كنند. قرقه چي ها در محل نشانه جاي تير را نشان مي دهند و نشانه زن ها به نوبت روي شخه دراز مي كشند و تير مي اندازند. اين بازي پس از چند دور پايان مي يابد و برنده ي بازي طويانه ي بازي را از آن خود مي كند.

مسابقه ي اسپ دواني

تماچيان در جاي بلند گرد مي آيند و ميدان بازي را تماشا مي كنند. اين ميدان بسيار كشيده و فراخ است. در گوشه ي ميدان دو دسته از سوارکاران ماهر هزارگي به صورت يرغه و چارپورته به مسابقه مي آيند.برخي از اسب سواران، با اسب هاي شان حركات نمايشي انجام مي دهند. برخي ديگر از اسپ تزئينات اضافي بر مي دارند. اسپ ها را با زين و تنگ و قيزه و ركاب آماده ي مسابقه مي كنند. سوارکاران هزاره با اسپ هاي تيز تك و چالاك شان در يك خط به رديف مي استند و با تكان دادن دستمال و شليك هوايي مسابقه را شروع مي كنند. با شروع مسابقه سوارکاران با سرعت تمام ركاب زنان و شلاق كوبان بر باسن اسپ هاي شان، چون باد و طوفان به آخر ميدان مي تازند. اسپ هاي تك تاز با سرعت بي مانند فاصله شان را با ساير اسپ ها زياد مي سازند و در فرجام يكي پس از گذر از ديگري به خط پايان نزديك مي شوند و يكي در فرجام خط پايان مسابقه را در مي گذرد و برنده ي ميدان مي شود. ديگران هم به ترتيب رتبه ي دوم و سوم را از آن خود مي كنند. جايزه ي برندگان در مراسم شاديانه ي عروسي به فراخور بضاعت مالي پدر داماد تفاوت دارد ولي همه شادمان بر مي گردند.

نيزه زني و بزكشي

در اين بازي سوار كار از گوشه اي ميدان به تاخت به سوي ميخ يا آيينه ي كه مانند نشانه جا گذاشته شده است، اسپ مي دواند و با نزديك شدن به نشانه با نوك نيزه ميخ را بر مي دارد و آيينه را مي شكند. مردم با ديدن آن شادي مي كنند و بر سوار كار شادباش مي گويند. اين بازي را مي توان تنهايي بازي كرد. البته در صورت مسابقه ي دو نفري بين دو سوار كار، برنده كسي خواهد كه خوب از عهده ي بازي بر آيد.
مسابقه ي بزكشي در مراسم هاي عروسي مانند بزكشي معمول در افغانستان برگذار مي شود كه بسيار پرهيجان و ديده ني است.

بيري مبارك كيدو(تبريكي عروسي)

كساني كه در روز عروسي نبودند يا مسافر بودند، از فرداي عروسي به خانه ي داماد براي تبريك گفتن مي آيند. مردان با خود شيريني مي آورند و زنان پتير روغني و مقدار روغن محلي(روغون دوغتو). مهمانان به گرمي از طرف خانواده ي داماد استقبال مي شوند. مهمانان با لبخند كه نشان از خوشحالي آنان است مي گويند: آدم نو مبارك، خدا قدم شيره نيك كنه) خانواده داماد در جواب مي گويند(تشكر! خدا شمو ره ام برسين نه) در پايان از مهمانان با آب گوشت پذيرايي مي شود.

مهماني

پدر داماد پس از چند روز از عروسي يكي از فاميل يا برادر داماد را به خانه پدر عروس مي فرستد و پدر عروس را به خانه ي خود دعوت مي كند و اين گونه به وي ارج مي گذارد. پدر عروس نيز با گرفتن هديه با جمعي از نزديكانش به مهماني به خانه ي پدر داماد مي رود. در پايان مهماني پدر داماد به پدر عروس شال، چپن و يا كمبل(پتو) مي دهد. به ديگر مهمانان هم به رسم هر منطقه لنگي، چادر و پيرهن دوخته نشده داده مي شود.

پاي وازي(پاي كشا)

پس از چند روز چند ماه و گاهي چند سال عروس از داماد و پدر داماد مي خواهد كه او را به رسم پاي وازي به خانه ي پدري اش ببرد. اين درخواست ممكن است از طرف خانواده عروس بشود. وقتي اين دعوتي پزيرفته شد، در روز معين خانواده هاي نزديك داماد مانند روز عروسي، عروس خانم را دوباره عروس مي كنند و در ميان شادي و هلهله ي بسيار به خانه ي پدري به عنوان مهمان مي برند. عروس با خود شيريني و هديه هاي بسياري مانند: لباس، چادر و پول براي خانواده پدري اش بر مي دارد. مهمانان پايوازي از طرف خانواده ي عروس به گرمي استقبال مي شوند و از آنان با آب گوشت پذيرايي مي شوند. در پايان روز همه به جز عروس به خانه هاي شان بر مي گردند. عروس مدتي به رسم مهمان در خانه ي پدر مي ماند و در زمان برگشت توسط خانواده پدري با احترام و كبكبه ي بسيار به خانه اش رسانده مي شود.

ازداوج در ضرب‌المثل و سخن حكيمانه ي مردم هزاره

1- زن و شوي اگه يكديگي خو بخوايه ده بيابو هم زندگي مونه
2- زن يا تو ره بيو مونه يا فقير؛ اگه زن نگري اميشه فقير مومه ني
3- موقع رخت خريدو گوشه رخت ره توغ كو؛ موقع زن گرفتو خانوادي شي ره
4- بخشي زن گرفتو مي ارزه كه چند كلوش پاره كني
5- شراب ره از انگور و دختر ره از گل كينه ي خوب انتخاب كو
6- زن گرفتو زود شي بده و دير شي بد تر
7- زن مثل كتابه، اونجايي كه توره ذله مونه نخوان
8- ده زن و شوهري بي تره كه زن لال باشه و مرد كر
9- خانه بي زن گورستويه
10- ايچ زن به خاطر خدا شوي نمونه
11- زن كه خوب باشه خانه ام خوبه

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹